

بررسی ماهیت روابط ایران و ایتالیا بر پایه مذاکرات مجالس شانزدهم تا نوزدهم شورای ملی (با تأکید بر قرارداد نفتی ایران و شرکت آجیب میناریا)

پروین رستمی^۱

چکیده

ایتالیا از کشورهایی بود که در دوره پهلوی اول در برنامه‌های مدرن‌سازی ایران سهم داشت. در جنگ دوم جهانی که ایتالیا جزو متحدین و ایران در اشغال متفقین بود، روابط ایران و ایتالیا از سوی ایران قطع شد و بعد از جنگ با بازگشایی سفارتخانه‌های دو طرف، باری دیگر روابط برقرار گردید و تا پایان حکومت پهلوی دوم، عهدنامه‌های اقتصادی و فرهنگی بسیاری با آن کشور به امضاء رسید. در این پژوهش، ضمن بررسی چگونگی برقراری روابط ایران و ایتالیا بعد از جنگ دوم جهانی، به شیوه توصیفی-تحلیلی، چگونگی روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با ایتالیا در مذاکرات مجالس شانزدهم تا نوزدهم بررسی شده است. بنا بر یافته این پژوهش، مجلس شانزدهم در مقطع حساسی از تاریخ معاصر ایران و مقارن مسأله ملی شدن صنعت نفت و مقابله با انگلیس، رابطه با ایتالیا را مدنظر قرار داد و اولین عهدنامه‌ها و مذاکرات پیرامون رابطه با ایتالیا در حال شکل‌گیری بود. بالطبع روابط اقتصادی و فرهنگی گسترش یافت و مهم‌ترین قرارداد نفتی به صورت مشارکتی و سهم ۷۵ درصدی برای ایران با شرکت آجیب میناریای ایتالیا در مجلس نوزدهم منعقد شد. برخلاف قرارداد کنسرسیوم که بر اساس تنصیف بود، در این قرارداد نسبت به سایر قراردادها تا این مقطع، منافع ایران تأمین شد.

واژگان کلیدی

ایران، ایتالیا، نفت، مجلس شورای ملی، مجالس شانزدهم تا نوزدهم شرکت آجیب میناریا

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۳/۱۳

^۱ پروین رستمی، دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه لرستان Parvin.rostami@yahoo.com

مقدمه

با اشغال ایران از سوی متفقین در شهریور ۱۳۲۰ش، ایران با ایتالیا که از کشورهای متحدین در جنگ دوم جهانی بود، قطع رابطه کرد و حتی اعلان جنگ داد. ایتالیا در دوره پهلوی اول در مدرن‌سازی ایران سهم داشت و بعد از خاتمه جنگ، هر دو طرف خواهان برقراری رابطه بودند. در سال ۱۳۲۵ش. با گشایش سفارتخانه‌ها، روابط سیاسی آغاز و در سال ۱۳۲۹ش. در مجلس شانزدهم، عهدنامه مودت با این کشور مطرح شد و با برقراری رابطه سیاسی، روابط اقتصادی و فرهنگی نیز گسترش یافت. در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران، ایتالیا از حامیان دولت و ملت ایران بود و حتی هنگام تحریم نفت ایران از سوی انگلیس، برای خرید نفت از ایران کوشش کرد. رابطه با ایتالیا در مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌توانست در روابط با سایر کشورهای اروپایی و نیز آمریکا وزنه‌ای مناسب باشد. مجلس شانزدهم هم در مقطع حساس و بحرانی ایران تشکیل شد و مسأله نفت بر سایر مسائل در دولت و مجلس رجحان داشت. رابطه با ایتالیا، در قالب عهدنامه مودت با آن کشور ظاهر شد و به تدریج در مجالس بعدی تا پایان دوره نوزدهم گسترش روابط مدنظر قرار گرفت. در پژوهش حاضر، رابطه ایران و ایتالیا بر اساس مذاکرات مجالس شانزدهم تا نوزدهم شورای ملی^۱ و مسائل مطرح در مذاکرات بررسی می‌شود. تاکنون در باره این موضوع، پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ گرچه برخی منابع در باب شماری قراردادهای سیاسی و قرارداد نفتی با ایتالیا اشاره‌هایی دارند، اما در این پژوهش کوشش شده تا با تکیه بر مذاکرات مجلس، در مورد قراردادهای سیاسی، فرهنگی و نفتی با ایتالیا، چگونگی ابعاد روابط توصیف شود. بر این اساس، پرسش پژوهش فوق آن است که در مذاکرات مجالس شانزدهم تا نوزدهم شورای ملی به چه مسائلی در روابط ایتالیا پرداخته شده است؟

۱. مجلس شانزدهم در ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ش. آغاز و در ۲۹ بهمن ۱۳۳۰ش. به کار خود خاتمه داد. مجلس هفدهم روز هفتم اردیبهشت ۱۳۳۱ش. آغاز و روز ۲۸ آبان ۱۳۳۲ش. پایان یافت. مجلس هجدهم روز ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ش. آغاز و روز ۲۶ فروردین ۱۳۳۵ش. به کار خود خاتمه داد. مجلس نوزدهم روز ۱۰ خرداد ۱۳۳۵ش. شکل گرفت و در ۱۹ خرداد ۱۳۳۹ش. به کار خود خاتمه داد.

رابطه ایران و ایتالیا در سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۲۸ش.

روابط سیاسی ایران و ایتالیا- از کشورهای محور در جنگ دوم جهانی- با اشغال ایران از سوی متفقین قطع شد. ایران، با توجه به اینکه طبق قرارداد سه جانبه ایران- شوروی- انگلستان در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۲۰ش. / ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲م. به گروه کشورهای متفق پیوسته بود، به آلمان و ایتالیا اعلام جنگ داد. پس از شکست آلمان و پایان جنگ، روابط ایران و ایتالیا در تیر ماه ۱۳۲۵ش. دوباره برقرار شد (ازغندی، ۱۳۹۲: ۴۳۸). در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی، ایتالیا برای ماندن در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی و ادامه روند توسعه و پیشرفت خود، نیازمند انرژی ارزان و مطمئن و در عین حال بازارهای گسترده و قابل اعتماد برای انبوه کالاهای صادراتی بود. ایتالیا بیش از ۸۰ درصد انرژی مورد نیاز خود را وارد می‌کرد و در سال‌های پس از جنگ، ایران توجه ایتالیا را جلب کرد، زیرا می‌توانست منبعی عظیم برای تأمین انرژی و نفت مورد نیاز کارخانجات صنعتی ایتالیا باشد و بازارهای مصرف بسیار مناسب و گسترده‌ای در اختیار آنها قرار دهد. علاقه‌مندی ایتالیایی‌ها در این دوران به روابط با ایران موجب شد که ایتالیا بر خلاف میل هم‌پیمانان اروپایی خود، مانند انگلیس و حتی بر خلاف میل آمریکا، در مسائل نفتی ایران دخالت کند: در بحبوحه بحران ملی شدن صنعت نفت، ایتالیا جنبش ملت ایران را تأیید کرد و عملاً در بحران اقتصادی ناشی از تحریم خرید و فروش نفت ایران در سال‌های حکومت دکتر مصدق، پا پیش نهاد و با وجود تحمل مشکلاتی در این راه، حاضر شد نفت ملی شده ایران را خریداری کند (فیاضی، ۱۳۹۳: ۸۲).

نخستین عهدنامه مودت و دوستی ایران و ایتالیا با تأکید بر همکاری‌های فرهنگی، در یک مقدمه و شش ماده، در ۲ مهر ماه سال ۱۳۲۹ش. / ۲۴ سپتامبر ۱۹۵۰م. در تهران به امضای نمایندگان طرفین- از طرف ایران حاج علی رزم آرا نخست وزیر و محسن رئیس وزیر امور خارجه و از سوی ایتالیا مارکی البرتو روسی لونگی، سفیرکبیر تام‌الاختیار دولت ایتالیا- به امضاء رسید و در ۲۹ مهرماه ۱۳۲۹ش. / ۲۴ سپتامبر ۱۹۵۰م. مجلس سنای ایران نیز آن را تأیید کرد. این عهدنامه روابط دیپلماسی و کنسولی، تسهیل در امور مبادلات فرهنگی، علمی و هنری، حل مسالمت‌آمیز اختلافات

احتمالی از طریق سیاسی را در بر می‌گرفت (همان، ۲۰۸). بنا به نظر یکی از نمایندگان مجلس، عهدنامه مودت ایران و ایتالیا باید با دیگر عهدنامه‌های مودت سایر کشورها تفاوت می‌داشت، زیرا این عهدنامه با مملکتی جدیدالتأسیس منعقد نمی‌شد و اکنون که دو ملت قصد داشتند عهدنامه‌ای با هم منعقد کنند، باید گذشته روابط را در آن عهدنامه به خاطر داشته باشند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره شانزدهم، جلسه ۱۵۴، ۱۶ خرداد ۱۳۳۰ ش.).

عهدنامه مودت، سرآغازی برای دیگر قراردادهای میان دو کشور بود و در بهمن ۱۳۳۳ ش. یک عهدنامه تجارت و اقامت و دریانوردی بین ایران و ایتالیا به امضاء رسید. به موجب این عهدنامه، طرفین تعهد کردند روابط اقتصادی و بازرگانی و دریانوردی دو کشور را تحکیم کنند. همچنین طبق این عهدنامه، مسافرت و اقامت اتباع دو کشور به خاک یکدیگر آزاد بود و می‌توانستند از حقوق و مزایای اتباع کشورهای کامله‌الوداد برخوردار باشند (ازغندی، ۱۳۹۲، ۴۳۹). اولین قرارداد نفتی که بر اساس مشارکت در ایران بسته شد و به ترتیبات تازه‌ای که در قانون نفت پیش‌بینی شده بود، تحقق بخشید، قرارداد شرکت ملی نفت با شرکت آجیب مینراریای ایتالیا بود. معامله با این شرکت ایتالیایی از لحاظ فتح باب و ایجاد سابقه برای عقد قراردادهای نوع جدید، یعنی مشارکت به جای امتیاز، در تاریخ تحولات صنعت نفت ایران اهمیت خاص دارد و زمینه این ابتکار از طریق توافق دولت ایران و انریکو ماته‌یی ایتالیایی فراهم شد (روحانی، ۲۵۳۶: ۶۱). قرارداد شرکت آجیب با شرکت ملی نفت در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۳۶ ش. / ۳ اوت ۱۹۵۷ م. امضاء شد و در جلسه ۲ شهریور ۱۳۳۶ ش. مجلس سنا به تصویب رسید (همان، ۶۶).

روابط با ایتالیا در مجلس شانزدهم تا نوزدهم

۱. روابط سیاسی

- عهدنامه مودت ایران و ایتالیا

برای تحکیم روابط ایران و ایتالیا در گام نخست، قرارداد مودت مطرح شد. لایحه دولت مربوط به عهدنامه مودت بین دو کشور در کمیسیون وزارت امور خارجه با حضور وزیر و معاون وزارت خارجه مطرح شد و به تصویب رسید و برای تأیید به

مجلس شورای ملی ارائه گردید. در شور اول مربوط به عهدنامه مودت در مجلس، این عهدنامه از دیدگاه یکی از نمایندگان، بسیار ساده بود: گویی با کشور جدیدی عهدنامه بسته می‌شد و روابط دیرینه دولت و ملت دو کشور مغفول مانده بود. عهدنامه‌های مودت متعددی با دولت ایتالیا چه قبل از مشروطیت و چه بعد از آن و پس از الغاء کاپیتولاسیون منعقد گردید، آن عهدنامه‌ها را ملغی کردند و عهدنامه مختصری به مجلس پیشنهاد شده است. عهدنامه جدید به آثار جنگ دوم جهانی مربوط می‌شود که ایران وارد محاصره‌ای شد که یک طرفش ایتالیا بود. روابط قطع شده دوباره تجدید شد و مسائل مربوط به جنگ و پس از آن در قرار تصفیه‌اش باید در عهدنامه بیاید و نباید در عهدنامه جدید طوری رفتار شود که ایتالیا کشوری جدیدالتأسیس است و این از نواقص عمده عهدنامه است و به ماده یکم و سوم^۱ اعتراض می‌شود (مشروح مذاکرات مجلس، دوره شانزدهم، جلسه ۱۵۴، ۱۶ خرداد ۱۳۳۰ ش.). در اعتراض به ماده یک آمده است: «آیا این صلح خلل‌ناپذیر و دوستی صمیمانه و دائم تا کی است؟ و تا چه حدودی است؟ به طور مطلق تعهد جریانی را کردن ممکن است در آتیه اشکالاتی به وجود بیاورد و هیچ نوع شرطی در ماده یکم نیست، در صورتی که باید معین بشود حدود این روابط چیست و این صلح دائمی تا چه زمانی است؟ چون اگر ذکر نشود ممکن است مقصود اصلی به دست نیاید و طرفین اقداماتی بکنند و در عمل ماده یک متزلزل شود. در اعتراض به ماده سوم گفته شد که هر چند کلمه فرهنگ وسیع است و می‌تواند شامل آثار باستانی شود، باید به آثار باستانی و مبادله

۱. ماده یکم- بین دولتین معظمین ایران و ایتالیا و همچنین اتباع دو کشور صلح خلل‌ناپذیر و دوستی صمیمانه دائم برقرار خواهد بود. ماده دوم- طرفین معظمین متعاهدین موافقت دارند که به منظور ادامه روابط سیاسی و کنسولی خود طبق اصول و معمول حقوق بین‌الملل عمومی اقدام نمایند. ماده سوم- نظر به اینکه طرفین معظمین متعاهدین معتقد هستند که معرفت متقابل به احوال یکدیگر مهم‌ترین عامل اساسی و لازم برای حسن تفاهم بین‌المللی می‌باشد، موافقت دارند. نهایت سعی را برای توسعه روابط فرهنگی بین دو کشور مبذول دارند و با اعتقاد به اصل فوق طرفین متعهد می‌شوند کلیه تدابیری را که به منظور تسهیل مبادلات متقابل فرهنگی و علمی و هنری باید اتخاذ گردد، بررسی نمایند. ماده چهارم- طرفین معظمین متعاهدین موافقت می‌نمایند کلیه اختلافاتی را که بین آنها به ظهور پیوندد (از هر قبیل که باشد) و از طریق سیاسی حل و تسویه نشود، به طریق مسالمت‌آمیز به ترتیبی که طبق قرارداد مخصوصی تعیین خواهد شد، حل نمایند (مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سند ۱۰۰۸۶۰۲، ۱۸/۳۸/۰/۸۰، ۱۳۳۴/۹/۳۰ - ۱۳۳۴/۹/۳۰ - ۱۳۳۴/۹/۳۰ ش.، کارتن قوانین).

آثار باستانی اشاره شود، زیرا با دولت و ملّتی عهدنامه بسته می‌شود که دارای آثار تاریخی مشترکی هستند. در این عهدنامه به رعایت کامل روابط تاریخی و روابط اقتصادی که ایران با دولت ایتالیا داشته و تحولات بسیار که طی قرون و اعصار پیدا شده، توجه نشده است و بسیاری از مسائلی که می‌بایستی ذکر شود، در این عهدنامه مسکوت گذاشته شده است» (همان). گزارش شور اول کمیسیون امور خارجه در باره عهدنامه در دوم آبان ۱۳۳۰ ش. تأیید و برای شور دوم رسیدگی شد (همان، دوره شانزدهم، جلسه ۱۹۵، ۲ آبان ۱۳۳۰ ش.). مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین ایران و ایتالیا را که مشتمل بر یک مقدمه و شش ماده بود و در ۲ مهر ماه ۱۳۲۹ ش./ ۲۴ سپتامبر ۱۹۵۰ م. در تهران به امضاء رسیده بود، در جلسه پنجشنبه سی‌ام آذر ماه ۱۳۳۴ ش. به صورت نهایی تصویب کرد (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند ۱۰۰۸۶۰۲، ۱۸/۳۸/۰/۸۰ ق. - ۱۳۳۴/۹/۳۰ ش.، کارتن قوانین). مجلس، با اعلام تشکر دولت و ملت ایران از احساسات بسیار صمیمانه‌ای که ملت و دولت ایتالیا در جریان مبارزات ملت ایران برای ملی شدن صنعت نفت ابراز داشته‌اند، بیان کرد: با تصویب این لایحه، روابط دوستانه و بازرگانی و فرهنگی ایران که طی سالیان دراز با دولت ایتالیا برقرار بوده است، روز به روز مستحکم‌تر خواهد شد و توسعه بیشتر خواهد یافت (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره هفدهم، جلسه ۷۰، ۲۳ مهر ۱۳۳۲ ش.).

- مسافرت رؤسای دو کشور

در شهریور ۱۳۳۶ ش./ سپتامبر ۱۹۵۷ م. جووانی گرونچی رئیس جمهور ایتالیا همراه با وزیر امور خارجه آن کشور به دعوت شاه به ایران آمدند و مهم‌ترین مسائل مورد مذاکره بین شاه و رئیس جمهور ایتالیا عبارت بود از نفت و توسعه بازرگانی. پس از این مذاکرات، نخستین هیأت نمایندگی اقتصادی ایتالیا در ۳ آذر ۱۳۳۶ ش./ ۲۴ نوامبر ۱۹۵۷ م. وارد تهران شد. در سال‌های بعد هیأت‌های فرهنگی، علمی و اقتصادی دو کشور از ایران و ایتالیا دیدار کردند (ازغندی، ۱۳۹۲: ۴۳۹). شاه در پاسخ به دیدار رئیس جمهور ایتالیا، در آذر ماه ۱۳۳۷ ش. به ایتالیا سفر کرد و در مذاکره با گرونچی،

در جهت توسعه روابط سیاسی و اقتصادی گام‌های مؤثری برداشت. او در این سفر، قراردادهای متعدد فرهنگی، بازرگانی و صنعتی به امضاء رساند و در زمینه نفتی بحث استخراج معادن نفت به عنوان محور توسعه اقتصادی ایران مورد توجه قرار گرفت (فیاضی، ۱۳۹۳: ۱۳۲). گزارشی از این مسافرت به مجلس داده شد و مذاکراتی هم در حین مسافرت انجام شده بود. مذاکرات فیما بین در اعلامیه‌ای به امضای نخست وزیر و وزیر امور خارجه و در ۱۱ آذر در دو شهر روم و تهران انتشار یافت.

- قرارداد بازرگانی و دریانوردی

ماده واحده قرارداد بازرگانی و اقامت دریانوردی بین دو دولت، مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده و یک نامه ضمیمه به انضمام متن نامه‌های متبادله بین وزارت امور خارجه ایران و سفارت کبرای ایتالیا در تهران راجع به قرارداد بازرگانی اقامت و دریانوردی بین دو کشور در ۶ بهمن ماه ۱۳۳۳ ش. تصویب شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم، جلسه ۲۴۶). پس از این قرارداد، مذاکراتی در باب انعقاد موافقتنامه گمرکی متقابل آغاز شد تا هر دو کشور تسهیلات تعرفه‌ای برای ورود کالاها در نظر گیرند (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰: ۵۱۳/۳-۵۱۲). ایران خواستار تخفیف رضایت بخش تعرفه گمرکی برای واردات قالی ایرانی به ایتالیا شد (همان، ۵۴۲) و به همین منظور، مذاکراتی برای نمایشگاه صنعتی ایتالیا در تهران آغاز گردید (همان، ۵۳۹).

۲. روابط فرهنگی

- روند توسعه روابط فرهنگی

گزارش کمیسیون فرهنگ در جلسه ۳۶۳ دوره نوزدهم مجلس، راجع به موافقتنامه فرهنگی بین دولت‌های ایران و ایتالیا مطرح شد. ماده واحده موافقتنامه فرهنگی ایران و ایتالیا، مشتمل بر یک مقدمه و سیزده ماده که در ۸ آذرماه ۱۳۳۷ ش. از طرف نمایندگان مختار دو کشور به امضاء رسیده بود، تصویب و به دولت اجازه داده شد که اسناد تصویبی آن را مبادله کند. موافقتنامه‌های فرهنگی چون جنبه بین‌المللی داشت، مجلس شورای ملی و سنا بعد از رسیدگی کمیسیون‌ها به طور کلی با تصویب آنها

موافقت می‌کردند، اما به موافقتنامه فرهنگی خرده‌ای گرفته شد: بر اساس این موافقتنامه‌ها، مدارس هم در آن کشورها تأسیس می‌گردید. از آنجا که مواد درسی، از نظر ملیت و تربیت بر افراد تأثیر داشت، اگر ایتالیایی‌ها در ایران مدارس تأسیس کنند، وزارت فرهنگ تا چه حد دخالت دارد؟ چون ناخودآگاه از نظر زبان یا نوع تعلیم کودکان، در ایران از این نوع مدارس استقبال می‌کنند. اگر بنا باشد منحصراً در این مدارس تاریخ ایتالیا مخصوصاً تاریخ قدیم ایتالیا را که دانستن آن وظیفه یک نفر ایتالیایی است، ولی برای ایرانی هیچ ضرورتی ندارد و یاد دادن این موارد به کودکان ایرانی چه تأثیری در تعلیم آنها خواهد داشت؛ بنابراین، باید از این موافقتنامه‌های فرهنگی نتیجه‌ای به نفع ملت ایران گرفته شود. قسمت اعظمی از مدارس که خارجی‌ها در ایران تأسیس کردند و برنامه‌هایی که تدریس می‌کنند، ممکن است به حال ایرانی‌ها مفید نباشد و باید برنامه‌ها به گونه‌ای در این مدارس ارائه شود که برای ایرانی‌ها مفید باشد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم، جلسه ۳۶۳). در شور دوم و تصویب گزارش کمیسیون فرهنگ راجع به موافقتنامه فرهنگی بین ایران و ایتالیا، ماده واحده‌ای به تصویب مجلس رسید و به دولت ابلاغ شد (همان، جلسه ۳۹۷). برای اجرای این قرارداد، تصمیم گرفته شد که وسایل افزایش محصلین و دانشجویان ایرانی را در مؤسسات و مدارس عالی علمی و فنی ایتالیا فراهم کنند و موضوع تأسیس مدرسه عالی فلاح و جنگلبانی و همچنین تشکیل مراکز مطالعه وسائل مکانیکی کشاورزی مورد توجه آنها قرار گیرد (همان، جلسه ۲۴۷).

- استخدام معلم موسیقی از ایتالیا

وزارت فرهنگ در ۱۳۲۵ ش. سه نفر موسیقی‌دان، سوکوف اکنوفیت تبعه دولت رومانی و لوئیچی بازاناری تبعه دولت ایتالیا و مونشکو ایسکوویدر تبعه دولت شوروی را استخدام کرد و در هنرستان عالی موسیقی به خدمت گرفت. بازاناری از مهر ماه ۱۳۲۸ ش. ترک خدمت کرد و ایسکوویدر تبعه شوروی برای جلوگیری از تعطیلی کارهای هنرستان به جای وی به خدمت مشغول شد. پس از بازگشت لوئیچی بازاناری به خدمت، از آنجا که هنرستان به هر سه نفر آنان نیاز داشت، موادی برای تعیین

میزان حقوق و در صورت عدم نیاز به آنها برای معافیت از اشتغال، جهت تصویب به مجلس ارائه شد (مشروح مذاکرات مجلس، دوره شانزدهم، جلسه ۹۱، ۱۹ آذر ۱۳۲۹ ش.).

۳. روابط اقتصادی

- مسأله تجارت پنبه

در مجلس شانزدهم، مسأله پنبه به سازمان برنامه مربوط بود و فارس، مازندران، خراسان و لرستان از نقاط کشت پنبه بودند و چون در چند سال منتهی به اواخر دهه ۲۰ شمسی سطح کشت پنبه بسیار تنزل پیدا کرده بود، سازمان برنامه شرکتی برای توسعه و اصلاح کشت پنبه تشکیل داد. اما سازمان برنامه، گرچه پنبه‌ها را از کشاورزان به قیمت پایین می‌خرید، از رساندن پنبه به کارخانه‌های داخلی خودداری می‌کرد (همان، جلسه ۸۹، ۱۴ آذر ۱۳۲۹ ش.). در ۱۳۲۹ ش. شرکتی ایتالیایی با شرکت سهامی "توسعه و اصلاح کشت پنبه" وابسته به سازمان برنامه و بودجه معامله کرد، اما این معامله مورد انتقاد جرائد و مطبوعات وقت قرار گرفت. زیرا انجام این معامله و امضاء قرارداد پنبه با شرکت ایتالیایی موجب چندین میلیون خسارت می‌شد و این قرارداد باید لغو می‌گردید (فیاضی، ۱۳۹۱: ۴۰). سازمان برنامه با توجه به جدول نرخ‌های بانک ملی و دریافت نوسانات پنبه در سال ۱۳۲۹ ش. نشان داد که باز هم خسارت و ضرری وارد نشده است (همان، ۴۳)، اما اکنون نظر مجلس و نمایندگان این بود که سازمان برنامه کارخانه‌های داخلی را در شرایط تضییق قرار ندهد و به همین سبب به معامله پنبه با ایتالیا اعتراض کردند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره شانزدهم، جلسه ۸۹، ۱۴ آذر ۱۳۲۹ ش.)، اما دولت ایتالیا باز هم به دولت ایران و برخی از تجار پیشنهاد داد که حاضر است پنبه خام دریافت کند و در ازای آن پارچه بدهد تا بتواند مزد کارگران خود را بپردازد. مجلس هم به اعضای کمیسیون بودجه و دارایی برای فراهم آوردن اعتبار و بازارهایی غیر از آمریکا و انگلیس که اجناس خود را گران‌تر به فروش می‌رسانند، دستور می‌دهد پیشنهادهای دولت آلمان یا ایتالیا را مدنظر قرار دهند (همان، جلسه ۱۸۰، ۲۰ مرداد ۱۳۳۰ ش.).

- استخدام مهندس ایتالیایی در صنایع

جیوانی ریتسو، تبعه ایتالیا با هشت هزار ریال ماهیانه، در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ ش. با تصویب مجلس برای کارخانجات نساجی ایران، از سوی سازمان برنامه به خدمت دولت ایران در آمد (همان، دوره شانزدهم، جلسه ۱۲۹). در سال ۱۳۴۳ ش. طبق ماده واحده کمیسیون اقتصاد و بازرگانی مجلس، به وزارت اقتصاد اجازه داده می‌شود تا قرارداد استخدامی او بر مبنای قرارداد قبلی که به تصویب کمیسیون مشترک مجلسین رسیده بود، برای آخرین بار از ۱۳۳۹/۸/۹ ش. تا ۱۳۴۴/۵/۲۶ ش. تمدید شود. این ماده واحده که لوایح آن طی تصویبنامه‌های شماره ۲۷۸۱۴ مورخ ۱۳۴۰/۱/۱ ش. و شماره ۶۰۹۶ مورخ ۱۳۴۲/۵/۳ ش. ارائه شده بود، به تصویب رسید (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند ۱۰۱۶۹۷۱، ۱۹/۹۵/۰/۷۹ ق. - ۱۳۳۸/۸/۱۰ ش. و سند ۱۰۶۸۸۸۵۴، ۱۰/۲۵۵/۰/۲۱۵ ق. - تاریخ ۴۳/۹/۱ - ۴۲/۱۰/۵ ش.).

در جلسه ۲۱۳ دوره هجدهم، لایحه‌ای برای استخدام سه نفر متخصص ایتالیایی و یک آلمانی برای ۹ فروند ناوچه ۶۵ تنی در خلیج فارس به کمیسیون نظام ارجاع شد (مشروح مذاکرات مجلس، دوره هیجدهم، جلسه ۲۱۳). گزارش کمیسیون نظام راجع به چهار نفر کارشناس نیروی دریایی با قید فوریت در جلسه ۷۶ دوره نوزدهم مطرح گردید. در این ماده واحده به وزارت جنگ اجازه داده می‌شد ۴ نفر کارشناس تبعه خارجی، ۳ نفر از کشور ایتالیا با تخصص‌های کارشناس الکترونیک و کارشناس مکانیک عمومی و کارشناس الکترونیک با حقوق سالیانه ۵۵۲۰۰۰ ریال و ۱ نفر از کشور آلمان با تخصص موتورهای دیزل دریایی از کارخانه مرسدس بنز با حقوق سالیانه ۷۱۶۴۰۰ ریال برای مدت دو سال استخدام شوند. این کارشناسان به کار راه انداختن ناوها و تربیت کادر مجرب فنی دریایی می‌پرداختند. کمیسیون امور خارجه در جلسه ۴ دی ماه ۱۳۳۵ ش. با حضور معاون وزارت امور خارجه با پیشنهاد دولت از نظر ملیت این مستخدمان موافقت کرد و ماده واحده و تبصره در این جلسه به تصویب رسید (همان، دوره نوزدهم، جلسه ۷۶).

در جلسه ۵ آذرماه ۱۳۳۶ش. لایحه شماره ۳۵۷۳ ارسالی از مجلس سنا راجع به اجازه استخدام ۸ نفر اتباع بیگانه در خدمت راه آهن دولتی ایران با حضور وزیر راه مورد شور و رسیدگی قرار گرفت. در جلسه ۱۶۷ ماده واحده وزارت راه قرائت شد: «ماده واحده وزارت راه مجاز است ۸ نفر کارمندان اتباع بیگانه که در خدمت راه آهن دولتی ایران هستند و ادامه خدمت آنها نظر به سوابق ممتد و تجربه ای که در امور نگهداری خط و تعمیرات پل ها و تونل ها و عملیات استحفاظی و استحکامی در نقاط کوهستانی شمال و لرستان دارند، مورد نیاز مبرم راه آهن می باشد، برای مدت دو سال از اول سال ۱۳۳۴ش. لغایت اسفند ۱۳۳۵ش. استخدام و پیمان نامه استخدامی آنان را با حقوق و شرایط زیر مبادله نماید. از شرایط استخدامی، عدم مداخله در امور سیاسی و اجتماعی بود و در صورت مداخله، بدون هیچگونه حقی، قرارداد پیمان آنها لغو می گردید؛ بعد از تصویب در این جلسه، به دولت برای استخدام آنها ابلاغ شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم، جلسه ۱۶۷) و جینو اسپرتی تبعه ایتالیا متخصص کارهای ساختمانی در ناحیه لرستان به طور پیمانی با حقوق ماهانه ۵۷۲۰ ریال بدون ارز برای خدمت در راه آهن دولتی برای مدت دو سال از اول سال ۱۳۳۴ش. لغایت اسفند ماه ۱۳۳۵ش. استخدام شد (همان، جلسه ۴۱).

- منع صادرات خشخاش به ایتالیا

خشخاش و تریاک، گرچه در دهه ۲۰ شمسی برای ایران ارزآوری داشت، اما دولت در این دهه می کوشید از کشت خشخاش جلوگیری کند. ایتالیا از جمله کشورهای بود که ایران، خشخاش و تریاک به آن صادر می کرد و دیگر کشورها: آمریکا، بلژیک، فرانسه، اسپانیا و هندوستان بودند. نیمی از صادرات به این کشورها قانونی بود و نیمی دیگر قاچاق، اما باز هم از این طرق، ارز وارد کشور می شد و نمایندگان معتقد بودند که جلوگیری از کشت خشخاش و تریاک معتادان باعث می شد که به اقتصاد ایران از لحاظ تریاک و خشخاش آسیب وارد شود (همان، دوره هیجدهم، جلسه ۱۵۳)، اما سرانجام قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک در جلسه ۱۵۶ دوره هیجدهم به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۴. قرارداد نفتی آجیب مینراریا

از تیر ۱۳۳۱ش. وضع اقتصادی ایران رو به وخامت گذاشت. قبل از این تاریخ، دولت ایران حاضر بود در قیمت نفت به خریداران تخفیف بدهد و این تخفیف در چند مورد به صدی پنجاه یا نصف بهای نفت در خلیج فارس تنزل داده شد. به علاوه، دولت ایران حاضر بود که تحویل نفت را تضمین کند تا خریداران با اطمینان وارد معامله شوند. در بهمن ماه ۱۳۳۰ش. شرکت ملی نفت ایران قراردادی با مدیر شرکت اپیم^۱ ایتالیا منعقد کرد. طبق این قرارداد، شرکت اپیم در سال ۱۹۵۲م. چهارصد هزار تن و از آن سال به بعد تا ۱۰ سال هر سال دو میلیون تن نفت از ایران خریداری می‌کرد. اولین کشتی شرکت اپیم برای حمل نفت در بندر عدن توقیف شد. شرکت ایتالیایی دیگری به نام شرکت سوپور^۲ قرارداد خرید مقادیر عمده نفت با شرکت ملی ایران منعقد کرد و از طریق اولین کشتی آن شرکت در دی ماه ۱۳۳۱ش. پنج هزار تن نفت صادر شد و بعد از آن هم، کشتی‌های شرکت برای حمل نفت به ایران می‌آمدند. شرکت نفت ایران و انگلیس نسبت به صادرات مذکور، در محاکم ایتالیا علیه شرکت سوپور اقامه دعوی کرد، اما توفیقی نیافت. چندی بعد، شرکت سوپور قرارداد خود را با شرکت ملی نفت توسعه داد و بنا بر قراردادی تهاتری، پول به مصرف خرید کالاهای ایتالیایی می‌رسید (فاتح، ۱۳۳۵: ۶۴۷-۶۴۶).

قرارداد نفتی میان ایران و ایتالیا، عمده‌ترین قرارداد و عامل مهم تحکیم روابط میان دو کشور بود و این قرارداد در شرایطی منعقد شد که ایران از نظر سیاسی تابع کشورهای غربی شده بود. عقد قرارداد فروش نفت و گاز، معروف به قرارداد امینی- پیچ یا قرارداد کنسرسیوم در ۲۹ مهر ۱۳۳۳ش. از تصویب مجلس گذشت. در این قرارداد، طرف اول، شرکت ملی نفت ایران و طرف دیگر، هشت شرکت نفتی خارجی به این قرار بودند: پنج شرکت آمریکایی (با ۴۰ درصد سهم)، شرکت نفت بریتیش پترولیوم انگلستان (با ۴۰ درصد سهم)، شرکت هلندی رویال داچ (با ۱۴ درصد سهم) و شرکت نفت فرانسه (با ۶ درصد سهم) (ازغندی، ۱۳۹۰: ۳۶۲). کنسرسیوم به عنوان خریدار

۱. Epim

۲. Supor

نفت با شرکت ملی نفت ایران قراردادی بست که شرکت بر طبق آن، نفت خامی را که کنسرسیوم استخراج می‌کرد، سر چاه به اعضاء می‌فروخت. اعضاء نیز به نوبت، نفت را در بنادر ایران به قیمت خوب می‌فروختند و از مابه‌التفاوت قیمت اعلان شده و هزینه استحصال که به عنوان درآمد شرکت تلقی می‌شد، ۵۰ درصد به عنوان مالیات ایران می‌پرداختند و بهره مالکانه یا حق امتیاز، یا پرداخت مشخص معادل یک هشتم بهای نفت خام بود (موحد، ۱۳۵۷: ۸۹).

شرکت‌های بزرگ نفتی مانع ورود کشور ایتالیا به قرارداد کنسرسیوم ایران شده بودند. در پی رایزنی‌های انریکو ماتئی^۱، مدیر شرکت نفتی انی^۲ ایتالیا با شاه و مقام‌های ایرانی، در نهایت قراردادی در سال ۱۳۳۶ش. / ۱۹۵۷م. با ایران منعقد شد. در چارچوب قرارداد مشارکت^۳، قراردادی میان شرکت آجیب مینراریا که از شرکت‌های فرعی انی به حساب می‌آمد، با ایران به امضاء رسید و برای انجام امور آن، شرکت مختلط ایرانی- ایتالیایی به نام سیرپ تشکیل دادند که در آن دو شریک دارای سهم مساوی بودند. این قرارداد، اصل تنصیف در قراردادهای نفتی را به هم زد، زیرا اساس آن، سود حاصل از استخراج و فروش نفت بود. در واقع ماتئی کوشید با پذیرش چنین شرایطی در قرارداد نفتی با ایران، انحصار شرکت‌های بزرگ بر بازار نفت را بشکند (یرگین، ۱۳۷۴: ۶۳۲).

^۱. Enrico Mathei

^۲. Eni

^۳. بر اساس موافقتنامه‌های مشارکتی، نفت و گاز تولید شده بین دولت و شرکت سرمایه‌گذار مرتبط است. در موافقتنامه‌های مشارکت در تولید، شرکت خارجی مقید به پرداخت مالیات است و در برخی موارد پرداخت بهره مالکانه نیز تصریح شده است. همچنین الزاماتی چون مشارکت دولت و آموزش نیروی انسانی نیز در قرارداد مشارکت مورد تأکید قرار می‌گیرد (گروه نویسندگان، ۱۳۷۹: ۲۶). موافقت‌های مشارکت در تولید بر سه عنصر اصلی پایه‌گذاری شده است: اکتشاف، در این گروه قراردادها در صورتی که اکتشاف لازم باشد، تأمین کلیه هزینه‌های مورد نیاز برای اکتشاف به عهده طرف خارجی است. در صورتی که عملیات اکتشاف به نتیجه نرسد، کلیه هزینه‌ها به عهده سرمایه‌گذار خواهد بود. اما در صورت کشف نفت به مقادیر تجاری، ادامه فعالیت از طریق سرمایه‌گذاری مشترک (به نسبت سهم طرفین) امکان‌پذیر می‌شود. اداره فنی و اجرایی: مدیریت فنی، اجرایی و اداری عملیات بر عهده طرف خارجی است، اما در فرآیند بهره‌برداری از منابع، اعمال مدیریت از طریق طراحی برنامه‌های مشترک صورت می‌پذیرد. بازاریابی، بر اساس قرارداد هر یک از طرفین سهم خود را برداشت می‌کند، اما چون بازاریابی برای کشورهای نفتی به طور معمول دشوار است، در متن قرارداد امور بازاریابی به شرکت خارجی سپرده می‌شود (همان، ۲۷).

هر یک از طرفین قرارداد، نصف اعضای هیأت مدیره را انتخاب می‌کرد و ریاست هیأت مدیره بر عهده یک ایرانی بود. تمامی هزینه‌های اکتشاف را شرکت آجیب بر عهده گرفت و تنها در صورتی که عملیات منجر به کشف نفت به میزان تجاری می‌شد، هزینه‌های اکتشاف و بهره‌برداری بعدی به میزان مساوی میان دو طرف تقسیم می‌گردید. پس از کشف نفت به میزان تجاری، شرکت سیرپ موظف بود ۵۰ درصد منافع دیگر نیز به صورت مساوی بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیب تقسیم کند و در نتیجه سهم ایران در این قرارداد به ۷۵ درصد می‌رسید (ذوقی، ۱۳۷۴: ۶۲-۶۱).

طرح و تصویب این قرارداد در مجلس انعکاس گسترده داشت و مذاکرات بسیاری پیرامون آن انجام گرفت. منوچهر اقبال نخست‌وزیر وقت، لایحه قرارداد نفت با شرکت آجیب مینراریای ایتالیا را در جلسه ۱۱۴ به تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۳۶ ش. به مجلس ارائه کرد: «تقریباً از مدت یکسال پیش مذاکرات و مباحثات مفصل و مبسوطی بین شرکت ملی نفت ایران و نمایندگان شرکت ایتالیایی آجیب مینراریا با استحضار دولت سابق در جریان بود و زمینه مذاکرات مزبور بر این اساس قرار داشت که سازمان مشترکی با تساوی سهم بین طرفین ایجاد و عملیات تفحص و بهره‌برداری نفت در سه ناحیه مختلف کشور توسط این سازمان شروع گردد، به طوری که تأمین مخارج اکتشاف بر عهده شرکت ایتالیایی باشد و منافع حاصله از عملیات پس از پرداخت ۵۰ درصد مالیات دولت ایران متساویاً بین طرفین تقسیم شود. این مذاکرات که بر اساس وظایف و اختیارات مطرح در ماده ۵ اساسنامه قانون ملی نفت ایران از طرف آن شرکت صورت می‌گرفت. در تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۱۳۳۵ ش. / ۱۴ مارس ۱۹۵۷ م. منتهی به امضای طرح موافقتنامه‌ای بین طرفین گردید و در متن موافقتنامه مصرحاً قید شد که طرح مزبور بدون تصویب دولت و مجلسین فاقد هرگونه اعتبار و اثری خواهد بود. ضمناً در طرح مزبور پیش‌بینی شده بود که دولت ایران یکی از طرف‌های قرارداد خواهد بود، ولی اکنون که به موجب ماده ۲ قانون نفت این ترتیب امکان‌پذیر نیست، موافقتنامه به صورتی که طرف‌های آن فقط شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیب مینراریا می‌باشد، به تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۳۶ ش. تجدید شده است. هر چند طرح این موافقتنامه قبل از

تصویب قانون جدید نفت تنظیم گردیده ... نمایندگان ملاحظه خواهند فرمود شرایط آن از حدود مقررات قانون تجاوز نمی‌کند و دولت و شرکت ملی نفت این موافقتنامه را از هر حیث متضمن منافع کشور و انعقاد آن را موفقیت بزرگی می‌دانند، زیرا این اولین بار است که هدف دولت و شرکت در باره مشارکت به میزان پنجاه درصد به نحوی که منافع ایران مجموعاً معادل ۷۵ درصد سود ویژه عملیات گردد از مرحله فکر به میدان عمل وارد می‌شود. مجلس شورای ملی موافقتنامه پیوست را مشتمل بر چهل و هفت ماده و هفت ضمیمه که راجع به تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سهامی ایتالیایی آجیب مینراریا بود، تصویب کردند. مفاد این قرارداد، طبق مقررات ماده دوم قانون نفت^۱ مصوب ۱۳۳۶/۵/۷ ش. که مورد تأیید دولت واقع گردید، اجازه مبادله و اجرای موافقتنامه را می‌دهد. بعد از اظهارات نخست وزیر، مجلس لایحه را به کمیسیون خاص نفت ارجاع داد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم، جلسه ۱۱۴).

گزارش کمیسیون مخصوص نفت راجع به اجازه مبادله موافقتنامه بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت ایتالیایی در ۲۴ مرداد ماه ۱۳۳۶ ش. در جلسه ۱۱۵ دوره نوزدهم به این شرح بود: در قانون نفت (قانون نفت مصوب ۳۶/۵/۷ جلسه ۱۱۰ دوره نوزدهم) طرز اقدام شرکت ملی نفت در مورد بهره‌برداری از منابع نفتی به عنوان مشارکت یا عاملیت تعیین گردیده بود و به شرکت مزبور اجازه داده شد بر اساس آن قانون، موافقتنامه‌هایی برای اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری از منابع نفت که در اراضی خارج از حوزه عملیات کنسرسیوم قرار گرفته یا اشخاص یا شرکت‌هایی که صلاحیت فنی و مالی آنها محرز باشد، تنظیم نماید که پس از تأیید از طرف دولت به مجلس شورای ملی ارائه گردد. در همین زمینه، شرکت ملی نفت موافقتنامه‌ای با شرکت آجیب مینراریای ایتالیایی تنظیم

۱. ماده دوم قانون نفت مصوب ۳۶/۵/۷ - شرکت ملی نفت ایران می‌تواند به منظور اجرای مقررات این قانون با هر شخصی اعم از ایرانی و خارجی که صلاحیت فنی و مالی او محرز باشد، مذاکره و هرگونه توافقی را که مقتضی بداند بر اساس مقررات و مصرحات این قانون و سایر شرائطی که مخالف با قوانین کشور نباشد، به عمل آورده و موافقتنامه مربوطه را تنظیم و امضاء و به هیأت وزیران تقدیم نماید که در صورت تأیید برای تصویب به مجلسین تقدیم گردد. موافقتنامه‌هایی که به این طرز امضاء شود، پس از تصویب مجلسین و از تاریخ تصویب مزبور قابل اجراء خواهد بود.

و طبق ماده ۲ قانون مزبور به دولت ارائه کرد و موافقتنامه مذکور از طرف دولت تأیید و به مجلس ارائه و به کمیسیون خاص نفت ارجاع شد. این موافقتنامه در جلسات عدیده با حضور نخست‌وزیر و وزیر دارایی و انتظام مدیرعامل شرکت نفت و فؤاد روحانی مدیر امور حقوقی شرکت مزبور مورد بحث و شور واقع شد و رؤس مطالب به این شرح بود: طرفین این موافقتنامه شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیب مینراریا شرکت ایتالیایی و با سرمایه (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) لیر ایتالیایی است که تماماً ۰/۷۵ درصد مستقیماً و ۰/۲۵ درصد به طور غیرمستقیم، یعنی به وسیله یکی از شرکت‌های فرعی خطوط لوله متعلق به شرکت انی انجام می‌شد و شرکتی ایتالیایی است که کار آن تصدی عملیات مربوط به صنعت نفت، تفحص و استخراج و عمل آوردن و فروش نفت و گاز است و شرکت انی تماماً متعلق به دولت مزبور بود. پنج شرکت عمده به صورت شرکت‌های فرعی مؤسسه انی به مرور تشکیل می‌شدند و کلیه امور مربوط به صنعت نفت در همه مراحل از طریق آنها انجام می‌گرفت که بزرگ‌ترین‌شان، شرکت آجیب مینراریا خود دارای سیزده شرکت فرعی بود.

دو شرکت مزبور، یعنی شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیب مینراریا سازمان مشترکی به نام شرکت سیرپ با سرمایه ۱۰ میلیون ریال با سهام با نام تشکیل دادند. شرکت سیرپ عملیات اکتشاف و تولید نفت خام و متعلقات آن و کلیه عملیات فروش مواد را انجام می‌داد. سرمایه شرکت سیرپ به تدریج افزایش می‌یافت و در صورتی که به وجوه اضافی دیگری نیاز پیدا می‌کرد، از طریق استقراض تهیه می‌شد و در صورتی که نمی‌توانست استقراض کند، هر یک از شرکاء نصف وجوه مورد لزوم را تأمین می‌کردند. سهم‌الشرکه هر یک از شرکت‌های نفت ملی ایران و آجیب مینراریا در این شرکت پنجاه درصد بود. سهام شرکت سیرپ قابل انتقال بود و اساسنامه به طور کامل در مذاکرات تشریح شد.

حوزه عملیات شرکت سیرپ عبارت بود از: الف) ناحیه‌ای واقع در دامنه کوه زاگرس به مساحت تقریبی ۱۱۳۰۰ کیلومتر مربع. حدود عملیات کنسرسیوم به محاذات خطی که نقاط لالی مسجدسلیمان، هفت گل و بهبهان را شامل می‌شد و در ناحیه‌ای که کوه‌های ذیل در آن واقع بود: کوه بدمستان، کوه دلگیر، کوه کنک، کوه لشان، کوه

دولاب، کوه کلار، کوه سرخ، کوه ریک (جانکی)، کوه لرواغان و کوه سفید. آبادی‌های زیر نیز در این ناحیه واقع بودند: ده دیز، مواری بیدالا، غازیک غزلک و ارمان ناغون؛ (ب) ناحیه‌ای واقع در ساحل بحر عمان تا ابتدای حد فلات قاره به مساحت تقریبی ۶۰۰۰ کیلومتر مربع، ناحیه‌ای واقع در مشرق جاسک در حدود ساحل تا (رأس میدانی) مشتمل بر آبادی‌های لش میسور، یاغین، پائین تومی و گورانی سورا که در قسمت‌های شمال آن کوه‌های هنگه لیگری، میمن نیلاک و درهامان کوروچو واقع است و رودخانه‌های ساویش، گبریک و یاغین از این منطقه به دریا می‌ریزد؛ (ج) ناحیه‌ای از فلات قاره شمال خلیج فارس به مساحت تقریبی ۵۶۰۰ کیلومتر مربع. این ناحیه در قسمت ساحلی از رأی بحرگان به بندر دیلم تا خورصینی امتداد داشت و در داخل دریا تا حدود فلات قاره در جهت تقریبی عمود بر خط منصف را شامل می‌شد. تفحص و اکتشاف و پرداخت هزینه آن به عهده شرکت آجیب مینراریا نهاده شد که از نظر فنی و مالی مجهز بود. این شرکت وظیفه داشت نقشه‌های اکتشافی پس از مشاوره با شرکت ملی نفت ایران و همچنین اجرای نقشه‌های مزبور را عهده‌دار شود. عملیات اکتشافی حداکثر باید در ظرف مدت دوازده سال با هزینه‌ای که حداقل کمتر از ۲۲ میلیون دلار آمریکایی نباشد، انجام می‌شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم، جلسه ۱۱۵).

شرکت نفت ایران و ایتالیا در بخش شمالی خلیج فارس در حوزه‌ای به مساحت ۵۵۰۰ کیلومتر مربع و در شرق کوه‌های زاگرس در ۱۱۳۰۰ کیلومتر مربع مساحت و در منطقه ساحلی خلیج عمان در ۶ هزار کیلومتر مربع مساحت فعالیت می‌کرد. عملیات اکتشاف و حفاری سیرپ به کشف نفت در کوه ریگ و در دودرو واقع در کوه‌های زاگرس انجامید (وزیری، ۱۳۷۹: ۴۳۴). در نواحی قرارداد واقع در خلیج فارس و زاگرس و مکران با قبول هزینه ۲۲ میلیون دلار از طرف شرکت مزبور دو ماه پس از عقد قرارداد آغاز شد. میدان نفتی بهرگان در ۱۰ کیلومتری ساحل و انتهای شمال شرقی خلیج فارس پس از انجام یک رشته عملیات لرزه‌نگاری دریایی و مطالعات زمین‌شناسی کشف شد. تا اوایل سال ۱۳۴۲ ش. / ۱۹۶۳ م. جمعاً مقدار ۱۴۶۰۰۰۰ بشکه نفت خام از چاه‌های شماره ۳ و ۲ و ۱ بهرگان استخراج و صادر شد و نوع نفت خام این میدان بسیار مرغوب

بود (سعادت، ۱۳۴۹: ۱/۱۳۵-۱۳۴). شرکت آجیب مینراریا ضمن انجام عملیات حفاری در ناحیه بهرگان سر، در ناحیه زاگرس نیز اولین چاه اکتشافی را حفر کرد و پس از رسیدن به عمق ۳۶۸۳ متری، لوله‌های حفاری به مانع برخورد و در نتیجه، عملیات متوقف شد. پس از آنکه در آزمایش لایه‌های تا آن عمق، معلوم شد که این چاه محتوی نفت به میزان تجارتي نیست، آن را رها کردند تا پس از تکمیل مطالعات زمین‌شناسی و ژئوفیزیکی در صورت مساعد بودن شرایط، چاه دوم را حفر کنند. در سال ۱۳۴۴ ش. و ۱۳۴۵ ش. حفاری در ناحیه بروجن و سه دهستان آغاز شد و پس از حفر ۵ چاه فقط یک چاه آن در کوه ریگ به نفت رسید. عملیات زمین‌شناسی و لرزه‌نگاری در منطقه مکران نیز پایان یافت و وجود چند طاق‌دیس به اثبات رسید. در طول سال ۱۳۴۳ ش. / ۱۹۶۴ م. شرکت سیرپ، چهار حلقه چاه حفر کرد که یک حلقه آن برای توسعه میدان نفتی بهرگان در خلیج فارس بود و به عنوان چاه نفتده تکمیل گردید و سه حلقه دیگر جزو چاه‌های اکتشافی در بقیه حوزه قرارداد سیرپ بود. شرکت سیرپ همچنین در سال ۱۳۴۵ ش. / ۱۹۶۶ م. موفق شد با حفر چاه شماره ۲ نروز در خلیج فارس به منبع بزرگ نفت دست یابد. با کشف این منطقه نفت‌خیز، شرکت نفت ایران و ایتالیا می‌توانست از یک تا دو میلیون تن سالانه تولید خود را افزایش دهد و تولید روزانه این منطقه در سال ۱۹۶۵ م. در حدود ۴۰ هزار بشکه بوده است. شرکت نفت سیرپ تا پایان سال ۱۳۴۵ ش. مجموعاً ۵۵ چاه حفاری نمود و موفق شد دو منبع بزرگ نفت در دریا و یک منبع در منطقه زاگرس کشف کند (همان، ۱۳۶-۱۳۵) و تولید در سال ۱۳۴۸ ش. / ۱۹۶۹ م. به ۱/۵۵ میلیون مترمکعب رسید (وزیری، ۱۳۷۹: ۴۳۴).

در مذاکرات مجلس بر عملیات اکتشاف تأکید می‌شد تا تعهد اقدام به عملیات اکتشافی و پرداخت هزینه آن به عهده شرکت آجیب مینراریا باشد. عملیات اکتشاف طی ۱۲ سال در نواحی سه گانه که فعالیت‌های عمرانی نداشت، از نظر اینکه در آن نواحی جنب‌وجوشی به وجود می‌آورد و برای مردم کار می‌آفرید، برای ساکنین مفید و قابل ملاحظه بود. شرکت آجیب مینراریا تا پایان عملیات اکتشافی، هزینه را پرداخت می‌کرد، اما اگر عملیات اکتشافی به نتیجه مثبت می‌رسید، مخارج مربوطه، به تدریج توسط شرکت سیرپ از آغاز بهره‌برداری پرداخت می‌گردید. مخارج اکتشاف پس از

رسیدن به مرحله بهره‌برداری طی سنوات مستهلک و نصف آن عاید شرکت ملی نفت ایران می‌شد. نتیجه مثبت این بود که قابلیت تولید میدان نفت به میزان تجارتي محرز شناخته شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم، جلسه ۱۱۵).

مدت عملیات اکتشافی دوازده سال بود، اما در انقضاء سال پنجم از تاریخ آغاز عملیات ۲۵ درصد از مساحت و در آخر سال نهم ۲۵ درصد دیگر از مجموع مساحت نواحی حوزه عملیات کسر و به شرکت ملی نفت ایران مسترد می‌شد. در پایان سال دوازدهم، تنها زمین‌هایی در اختیار شرکت سیرپ می‌ماند که در آنها میدان‌هایی قابل بهره‌برداری به میزان تجارتي وجود می‌داشت. مدت عملیات بهره‌برداری بیست و پنج سال از تاریخ آغاز فروش نفت بود و فروش نفت موقعی شروع می‌شد که تأسیساتی که برای حمل و بارگیری منظم جهت بهره‌برداری لازم بود، آماده می‌شد و اولین ۲۰ هزار تن نفت از محصول آن میدان به فروش رسیده باشد. همچنین بعد از انقضاء مدت بیست و پنج ساله نیز، به شرح مذکور در ماده ۳۵ موافقتنامه ممکن بود تمدید شود و در صورت تمدید در دوره پنج ساله اول مندرجات این موافقتنامه مأخذ عمل بود و در باره تمدید در پنج سال‌های دوم و سوم هرگاه شرکت ملی نفت در فعالیت‌های مشابهی مشارکت کند و تا آن تاریخ در مشارکت‌های جدید نتایجی به دست آورده باشد که شرایط آن برای دولت ایران از شرایط موافقتنامه حاضر مساعدتر باشد، کلیه شرایط موافقتنامه‌های مذکور شامل مدت دو دوره تمدید نامبرده می‌شد.

اداره امور فنی شرکت به دست کارمندان سپرده می‌شد که به معرفی شرکت آجیب مینراریا و با انتخاب مدیرعامل مشغول کار می‌شدند. شرکت سیرپ مکلف بود استخدام این قبیل کارمندان خارجی منحصراً برای تصدی مشاغل صورت گیرد که نتواند برای اشغال آن مشاغل، ایرانیان دارای معلومات و تجربیات لازم بیابد. سیرپ با همکاری شرکاء، برنامه‌ای برای کارآموزی و تعلیم فنی و صنعتی طرح و تنظیم خواهد کرد تا کارمندان ایرانی با فراگرفتن تعلیمات لازم در کوتاه‌ترین مدت ممکن، جایگزین کارمندان خارجی شده و در عملیات سیرپ مشاغل مسئولیت‌دار را احراز کنند.

در قرارداد میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیب مینراریا، مدت عملیات اکتشاف ۴ سال ذکر شد که جنبه فنی و علمی داشت. در سال اول مطالعات سطح‌الارضی

و در سال دوم با وسائل ژئوفیزیک مطالعات تحت‌الارضی انجام و در منطقه نفت زلزله‌های مصنوعی ایجاد می‌شد. در سال سوم، نقشه‌کشی دقیق که با مطالعات ژئوفیزیک مطابقت می‌کند و در سال چهارم تشخیص داده می‌شد که چه نوع دستگاه‌هایی برای عملیات حفاری لازم است و در چه عمقی به نفت خواهند رسید و می‌بایست با آن نوع حفاری، وسائل را تهیه و خریداری کنند. عملیات اکتشافی در این قرارداد ظرف ۱۲ سال خاتمه می‌یافت و در سال پنجم، آجیب مینراریا ۲۵ درصد و در سال نهم ۲۵ درصد دیگر از مجموع حوزه عملیات خود را به شرکت ملی نفت ایران استرداد می‌کرد. بنابراین، در پایان مدت ۱۲ سال، میدان‌های نفتی قابل بهره‌برداری در دست شرکت ملی نفت ایران می‌ماند و هزینه عملیات اکتشافی ۲۲ میلیون دلار بود که همه آن را شرکت آجیب مینراریا پرداخت می‌کرد. شرکت تا قبل از انقضای مدت ۴ سال، به هیچ روی حق توقف عملیات را نداشت و بعد از انقضای مدت، اول شش میلیون دلار و در هر یک از سنوات بعد دو میلیون دلار خرج می‌کرد. این بیست و دو میلیون دلار در مناطق خشک و سوزان کشور کارهای عمرانی را ایجاد می‌کند و نفع بزرگی برای ساکنین آن منطقه دارد و اگر در سنوات مربوطه مطابق تعهد خودش خرج نکرده باشد و یا مجموع هزینه بیست و دو میلیون دلار بالغ نشد، در خاتمه عملیات اکتشافی بلاعوض باید به شرکت ملی نفت ایران تأدیه شود.

عملیات اکتشافی زمانی پایان می‌یافت که نفت به میزان تجارتي تولید شده باشد و تولید نفت به میزان تجارتي موقعی است که قیمت تمام شده نفت را در نظر گرفت و هزینه بارگیری و هزینه حمل و نقل را تا لب دریا اضافه کرد، به اضافه دوازده و نیم درصد به عنوان حداقل مالیات بهره‌برداری با وجود مجموع این مخارج، باز هم از فروش نفت سود قابل ملاحظه‌ای به دست می‌آمد؛ در این مرحله است که عملیات اکتشافی خاتمه می‌یافت. تا این مرحله، شرکت ملی نفت ایران مبلغی نپرداخت و مبلغی هم تعهد نداشت، ولی اگر به نفت می‌رسید، عنوان تجارتي پیدا می‌کرد. سرمایه شرکت سیرپ در لایحه یک میلیون پیش‌بینی شد، زیرا تا به بهره‌برداری نمی‌رسید، هزینه‌ای نداشت و فقط باید هزینه اداری را پرداخت می‌کرد. از این موقع بود که متعهد می‌شد کلیه هزینه‌های مربوط به استخراج و بهره‌برداری را پرداخت کند. چون سرمایه شرکت

محدود بود، در قانون پیش‌بینی شده بود که سرمایه خودش را در صورت اقتضاء اضافه خواهد کرد و جهت اضافه کردن سرمایه موقعی است که نفت به میزان تجارتی برسد و ازدیاد سرمایه ممکن است به وسیله استقراض باشد و اگر مقدور نشد هریک از طرفین باید سهم خود را پرداخت کنند.

کلیه شرایط و مقررات این موافقتنامه از نظر ایران مساعد بود و مصلحت و منافع ملت ایران در آن ملحوظ می‌شد؛ به ویژه از لحاظ میزان سود و درآمد عاید ایران. تا قبل از این، قرارداد بهره‌برداری از منابع نفت از راه امتیاز انجام می‌گرفت و سود ناچیزی از این بابت عاید کشور می‌گردید. پس از ملی شدن صنعت نفت، به موجب قرارداد با کنسرسیوم، سهم دولت ایران به پنجاه درصد از سود ویژه شرکت به عنوان سهم‌الشرکه به شرکت ملی نفت ایران تسلیم می‌گردید و به عبارت دیگر مجموعاً هفتاد و پنج درصد از سود خالص در هر سال به ملت ایران می‌رسید.

مجلس شورای ملی ماده واحده موافقتنامه پیوست را مشتمل بر ۴۷ ماده و ۹ ضمیمه که راجع به تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری نفت بین شرکت ملی نفت ایران از یک طرف و شرکت سهامی ایتالیایی آجیب مینراریا از طرف دیگر به امضاء رسید و مفاد آن طبق مقررات ماده دوم قانون نفت مصوب ۳۶/۵/۷ مورد تأیید دولت واقع گردید، تصویب و اجازه مبادله و اجرای موافقتنامه مزبور را صادر کرد و لایحه به صورت یک فوریتی و یک شوری مطرح شد.

در مجلس شورای ملی نسبت به امضای قرارداد قبل از تصویب آن در مجلس اعتراض شد: اولاً دولت طبق قانون مصوب ۱۱ آذرماه ۱۳۲۳ ش. که بنابر آن، هیچ نخست‌وزیر و وزیر و اشخاصی در مقام کفالت یا معاونت آنها نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچ یک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و غیرمجاور و یا نمایندگان شرکت‌های نفت و هر کس غیر از آنها مذاکرات رسمی که اثر قانونی دارد، انجام دهند و یا قرارداد امضاء کنند. طبق ماده ۲ همان قانون، نخست‌وزیر و وزیران می‌توانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره می‌کند، مذاکره کنند و باید مجلس شورای ملی در جریان مذاکرات قرار گیرد. اعتراض در واقع به این مسأله بود که اگر این قانون منعی برای مذاکره نداشت، چرا

قرارداد چهار ماه قبل امضاء شده حالا برای تصویب به مجلس ارائه می‌شود؟ انتظام، مدیر عامل شرکت نفت در مصاحبه با جراید گفته بود: یک واو این قرارداد نباید پس و پیش شود و نباید قراردادی را که چهار ماه قبل از پیش خود با کمپانی آجیب ایتالیایی بسته‌اند، تغییر داد.

اقبال در پاسخ گفت: شرکت ملی نفت مذاکراتی انجام داد و قراردادی امضاء کرد. همانطور که در مقدمه قرارداد آمده است، این قرارداد بدون تصویب دولت و مجلسین ارزش ندارد و نه دولت علاء و نه این دولت قراردادی را قبل از تصویب قانون نفت امضاء نکرده است. طبق قانون، مذاکرات پیرامون قرارداد در روز ۱۲ مرداد ۱۳۳۶ ش. پایان یافته و شخص نخست‌وزیر لایحه قرارداد نفت را روز ۱۳ مرداد به مجلس تقدیم کرده، پس امری برخلاف قانون انجام نشده است.

در تأیید سخنان نخست‌وزیر، گفته شد که بعد از ملی شدن صنعت نفت و به استناد همان قانون، اساسنامه‌ای برای شرکت ملی نفت ایران تصویب شد و با توجه به مندرجات آن اساسنامه، مذاکرات بر اساس و مبانی قانونی از طرف شرکت ملی نفت ایران آغاز گردید. بر اساس ماده پنجم اساسنامه، تأسیس شرکت‌های فرعی در ایران یا خارج از ایران به طور کلی برای اجرای مقاصد شرکت، مشارکت و همکاری با شرکت‌های داخلی و خارجی فراهم شود و در کلیه امور مربوط به نفت و تولید و فروش مصنوعات با وسایل یا با محصولات شرکت به بهای مناسب به کار گرفته شود. در این اساسنامه به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده شد که با شرکت‌های داخلی و خارجی و شرکت‌های بهره‌برداری مشارکت و همکاری کند. حدود اختیارات شرکت ملی نفت ایران در ماده چهار اساسنامه، به قدری وسیع است که هرگونه اقدام در صنعت نفت در آن به بهترین وجهی توصیف شده است. اگر شرکت ملی نفت ایران قبل از تصویب قانون نفت ایران و از تاریخ تصویب آن اساسنامه با هر شرکت خارجی و با هر مقام دیگری در موضوع بهره‌برداری از منابع نفتی کشور در حدود اساسنامه هر نوع مذاکراتی کرده و هر نوع امضائی داده باشد، در حدود مندرجات ماده پنجم مربوط به اساسنامه بوده است و اعمال او صحیح است و به نحوی که نخست‌وزیر توضیح داد، دولت قبل از تقدیم لایحه هیچ گونه اقدامی نکرده است و مذاکرات و امضاءها با موافقت شرکت ملی نفت در حدود

اساسنامه مزبور بوده است. بنابراین، از این لحاظ تخلفی از قوانین جاری کشور به عمل نیامده است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم، جلسه ۱۱۵).
 به بازاری برای خرید نفت ایران از شرکت آجیب اعتراض شد، بر این اساس که دولت ایران با هر شرکت که می‌خواهد قرارداد نفت را ببندد، دو تعهد بخواهد. اولین تعهد خرید مقدار کافی نفت ایران و دومین تعهد قیمت اعلان شده است. هر شرکتی حاضر است که نفت از ایران خریداری کند، ولی ممکن است که به قیمت اعلان شده خریداری نکند که در این قرارداد این دو موضوع اساسی و این تعهد اساسی وجود ندارد. پس باید شرکت آجیب دو تعهد اساسی بکند؛ یکی تعهد خرید مقدار کافی نفت و یکی خرید نفت به قیمت بین‌المللی و به قیمت اعلان شده که در ماده ۱۳ نوشته شده است و اکنون نه تنها این موضوع وجود ندارد، بلکه برعکس ایران که تولیدکننده نفت است، مکلف شده است که نفت خود را به قیمت اعلان شده عرضه بکند و اگر شرکت آجیب نخرید، دوباره قیمتش پائین می‌رود و شرکت آجیب هیچ تعهدی به قیمت اعلان شده ندارد.

وزیر دارایی در پاسخ به این اعتراض اظهار داشت: دو شرکت با هم کار می‌کنند؛ یکی آجیب مینراریا و دیگری شرکت ملی نفت و شرکتی به نام سیرپ ایجاد کرده‌اند و بعد از اینکه عملیات‌شان به مرحله استخراج رسید، نفت را به فروش می‌رسانند. وقتی که نفت به مرحله استخراج و صادرات برسد، هرکدام سهم خودشان را نصف نمی‌کنند و آجیب مینراریا سهم خودش را بفروشد شرکت ملی نفت گرفتار شود و شرکت آجیب، شرکت سیرپ را تشکیل می‌دهد بدون فکر و تأمل چنین کاری را نخواهد کرد که بیاید سرمایه خودش را، هر چقدر باشد که لااقل ۲۲ میلیون دلار است خرج بکند و سپس با عذر نداشتن خریدار، نفت را بفروشد و شرکت ملی نفت مجبور شود قیمت را پایین بیاورد و در یکی از این نامه‌های پروتکل ضمیمه، حداکثر تخفیفی که می‌توانند بدهند پنج درصد است. اگر استخراج بیشتر شود حق تا ده درصد تخفیف را هم دارند و در ماده ۱۳ و نکته‌ای که وجود دارد این است که یک شرکتی که سرمایه می‌گذارد و برای اکتشاف تا به مرحله استخراج و قیمت برسد، حاضر نمی‌شود خواستار تخفیف شود و تخفیف را با مشورت همدیگر تعیین خواهند

کرد و علاوه قید شده در ماده‌ای که اگر یکی از طرف‌ها قیمت بهتری بیابد که بفروشد طرف دیگر هم می‌تواند بفروشد. در ماده ۱۳ تصریح شده است قیمت اعلان شده یعنی قیمت‌هایی که بر وفق آن از طرف سیرپ نفت خام از نوع و وزن مخصوص معینی در هر یک از نقاط صدور به طور عموم به کلیه خریداران عرضه می‌شود توسط سیرپ منتشر و به اطلاع شرکت ملی نفت ایران و شرکت آجیب خواهد رسید. قیمت‌های اعلان شده الزامی است، باید با قیمت‌های جاری ناحیه خلیج فارس برای فرآورده‌هایی از نوع و وزن مخصوص مشابه خود مطابقت داشته باشد. بر این اساس، اختیار تعیین قیمت با آجیب نیست، آجیب فقط ۲۲ میلیون دلار باید در ظرف ۱۲ سال برای اکتشاف به شرکت سیرپ بپردازد، بعد شرکت سیرپ به فروش نفت شروع می‌کند و قیمتی را هم که منتشر می‌کند، باید با قیمت خلیج فارس مطابقت داشته باشد. در این صورت ما چه احتیاجی راجع به تضمین داریم. فرقی بین این قرارداد و قرارداد کنسرسیوم وجود دارد، در آن جا معاهده برای فروش نفت است، در این قرارداد، قرارداد مشارکت وجود دارد. ماده واحده نفت در جلسه ۱۱۵ تصویب شد.^۱

نماینده‌ای مزایای عمده این قرارداد نفت را بر می‌شمارد: ۱- مواد و شرایط موافقتنامه از هر حیث منطبق با اصول و مقررات قانون نفت مصوب هفتم مرداد ۱۳۳۶ ش. بود. ۲- موافقتنامه بر اساس مشارکت ۵۰ - ۵۰ که بیشتر مورد نظر قانونگذار بود و تنها طریقی است که تصدی و مباشرت مستقیم شرکت ملی نفت ایران در کلیه جنبه‌های فنی و اداری و بازرگانی صنعت نفت تأمین می‌شد، تنظیم گردید. ۳- با وجود اینکه شرکت ملی نفت ایران در نفت کشف شده بالمناصفه شریک بود، هزینه‌ای از بابت مخارجی که تا پیدا شدن نفت به مقادیر تجارتي لازم بود، برعهده نداشت. طرف قرارداد به موجب ماده ۲۹ متعهد است که ظرف دوازده سال اول حداقل مبلغ ۸۲ میلیون دلار برای عملیات اکتشافی در ایران خرج کند. هر گاه در خاتمه مدت مزبور تمام این مبلغ

^۱. شایسته ذکر است؛ با توجه به اینکه مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در این مقاله از فایل الکترونیکی آرشیو اسناد مجلس اخذ شده، مطالب مربوط به مذاکرات جلسه ۱۱۵ دوره نوزدهم، تلخیصی از حدود ۱۰۰ صفحه مذاکره است که در این بخش آورده شده است.

به مصرف نرسیده باشد، نصف باقی مانده به شرکت ملی نفت ایران پرداخت خواهد شد. ۴- به موجب ماده ۱۶ موافقتنامه طرف دوم ملزم است که حداکثر ۱۸ ماه از تاریخ تصویب اقلاً حفاری یک چاه را در ناحیه عملیات آغاز کرده باشد و حال آنکه این مهلت به موجب بند ب ماده ۷ قانون نفت^۱ چهار سال تعیین گردیده است. ۵- اداره عملیات به دست یک شرکت ایرانی بود که به طور غیرانتفاعی (عدم سود شخصی برای عاملین شرکت) عمل می‌کرد و سهام این شرکت عامل به طور متساوی متعلق به طرفین بود. ۶- طرف قرارداد علاوه بر تعهد ۸۲ میلیون دلار مخارج اکتشافی مبلغ ۲۵ میلیون دلار نقد نیز به عنوان پذیره سی روز پس از تاریخ اجرای قرارداد می‌پرداخت و حال آنکه

^۱ ماده هفتم قانون نفت: - در مورد سازمان‌های مشترک یا دستگاه‌های مختلطی که سهم شرکت ملی نفت ایران پنجاه درصد یا بیشتر باشد، شرایط عملیات به شرح زیر خواهد بود: الف- هیچ سازمان مشترک یا دستگاه مختلطی نمی‌تواند مجموعاً بیش از شانزده هزار کیلومتر مربع در یک بخش در زمان واحد در اختیار داشته باشد. مجموع سهم نسبی هر یک از طرف‌های شرکت ملی نفت ایران در یک بخش در زمان واحد حداکثر هشت هزار کیلومتر مربع است. چنانچه طرف شرکت ملی نفت ایران مشارکت پنجاه درصد یا بیشتر شرکت ملی نفت ایران را بپذیرد و در یک سازمان مشترک یا دستگاه مختلط لاقلاً دارای سهم نسبی چهار هزار کیلومتر مربع بشود، نسبت به چهار هزار کیلومتر مربع بقیه می‌تواند از طریق مشارکت یا عدم مشارکت موضوع ماده ۸ عمل کند. ب- سازمان مشترک یا دستگاه مختلط موظف است در هر بخشی که در آن عمل می‌کند، حداکثر تا پایان سال چهارم پس از تاریخ قرارداد حفر لاقلاً یک چاه نفت را در ناحیه واگذاری شروع کند و عملیات حفاری را پس از شروع مداوماً با سرعت معقول و بر طبق اصول متداول صنعت نفت ادامه دهد. چنانچه در پایان سال دوازدهم بعد از تاریخ قرارداد عملیات سازمان مشترک یا دستگاه مختلط در ناحیه مزبور به مرحله بهره‌برداری تجارتي نرسیده باشد، سازمان یا دستگاه، علاوه بر اینکه ناحیه مزبور را به شرکت ملی نفت ایران مسترد خواهد نمود، مشمول هر گونه ضمانت اجرایی که به موجب ماده ۱۵ مقرر می‌شود نیز خواهد گردید. ج- در ظرف مدتی که از ۱۰ سال تاریخ قرارداد تجاوز نخواهد کرد، سازمان مشترک و دستگاه مختلط نصف مجموع مساحت واگذاری طبق آن قرارداد را در یک یا چند نوبت به طریقی که شرکت ملی نفت ایران مناسب بداند، به شرکت مزبور مسترد خواهد نمود و قطعات استردادی از لحاظ تعداد و عرض و طول باید از نظر عملیات صنعت نفت قابل استفاده باشد. د- مدت اصلی قرارداد در مورد هر ناحیه حداکثر بیست و پنج سال از تاریخ شروع بهره‌برداری تجارتي در آن ناحیه خواهد بود، اما ممکن است که مدت قرارداد به درخواست هر یک از طرف‌های شرکت ملی نفت ایران حداکثر برای سه دوره پنج ساله تمدید شود. در دوره پنج ساله اول بر طبق شرایط مدت اصلی عمل خواهد شد، اما در دو دوره بعد بایستی شرایط و مزایا و اوضاع روز در موقع تمدید در نظر گرفته شود. ه- در ظرف مدتی که به موجب این قانون اجازه تفحص و اکتشاف و استخراج به یک سازمان مشترک یا دستگاه مختلط داده می‌شود، عملیات مزبور در ناحیه مربوطه منحصر به سازمان یا دستگاه نامبرده خواهد بود.

قانون نفت در مورد شرکتی که بر اساس مشارکت پنجاه درصد پیشنهاد تسلیم کند، پرداخت پذیره را شرط ننموده است.^۱ ۷- از نفت و گازی که در نتیجه اجرای این قرارداد تولید می‌شد، مقداری که به طور معقول برای تأمین مصرف پخش داخلی ایران مورد نیاز باشد، به قیمت تمام شده تحویل شرکت ملی نفت ایران شد. ۸- کلیه نفتی که تولید شود، پس از تأمین احتیاجات داخلی یا به وسیله هر یک از طرفین و یا به وسیله شرکت عاملی که تأسیس می‌شد، به بهای اعلان شده (البته پس از وضع هزینه‌های مذکور در قرارداد و با ترتیبات معینی که در مورد اعطای تخفیفات در نظر گرفته شد) فروخته و درآمد فروش بالمناصفه بین طرفین تقسیم می‌شد. ۹- راجع به کارآموزی فنی ایرانیان مقررات عملی بسیار جامعی در نظر گرفته شد، بدین شرح که مقرر گردید برنامه‌های وسیعی برای تعلیم صنعتی و فنی طرح و با همکاری طرفین اجراء شود تا با تربیت کادر فنی و اداری ایرانی و سپردن کار به دست آنها عده کارمندان خارجی مرتباً و متدرجاً تقلیل یابد، به طوری که در پایان ۱۰ سال از تاریخ شروع قرارداد، عده مستخدمین خارجی شرکت عامل از دو درصد کل کارمندان تجاوز ننماید و مهم‌تر و عمیق‌تر همان استقلال اقتصادی کشور است. (همان، دوره نوزدهم، جلسه ۱۸۸)

قرارداد سیرپ که سهم ایران را عوض صدی پنجاه که با کنسرسیوم قرارداد داشت، آن را ۷۵٪ کرد؛ این قضیه علاوه بر اینکه در خاورمیانه انعکاس بسیاری پیدا کرد، در تمام دنیا و به ویژه در کارتل‌های نفتی که تشکیلات بسیار قوی و منظمی داشتند، بازتاب داشت. قرارداد آجیب مبنایی شد برای قراردادهای دیگر مانند قرارداد پان آمریکن و این کمپانی که با ایران طرف قرارداد بود و ۷۵٪ به ایران سهم می‌دهد و اگر آن شرکت ایتالیایی سیرپ ۲۵ میلیون دلار در ظرف ۱۲ سال خرج می‌کرد، این ۸۲ میلیون دلار خرج می‌کند و ۲۵ میلیون دلار هم آوانس می‌دهد و تفاوتی بین شرکت سیرپ و شرکت پان آمریکن وجود دارد که شرکت پان آمریکن

^۱. بر اساس ماده هفتم قانون نفت که در بالا آمده است.

جزء آن ۵ شرکت بزرگ نفتی دنیاست که در قرارداد که به اسم ایران- پان آمریکن است، موفقیت‌های زیادی به دست آمد و کمپانی‌های آمریکائی یکی از آن ۵ کمپانی بزرگ است و جنبه استقلال هم دارد و جزو کارتل‌ها نیست، اینهم آمد با ما قرارداد بست.^۱

در حمایت از قرارداد کنسرسیوم گفته شد: «آن روز اگر قرارداد نفت را در شرایط روز مجلس تصویب نمی‌کرد، دستگاه نفت در ایران برچیده می‌شد و این قراردادهایی که امروز می‌بندند این قراردادها نصیب ممالک دیگری می‌شد که دارای نفت هستند ... و در شرایط سخت که هنوز تشکیلات منظمی از مخالفین و مخصوصاً تشکیلات کمونیست بین‌المللی در مملکت وجود داشت، با قدرت و شهامت آمدم در پشت این تریبون و مطالبی را برای روشن شدن فکر مردم ایران گفتیم. بنده امروز برمی‌گردم به اهمیت اقدام آن روز، با اینکه ما در مجلس گفتیم این قرارداد ایده‌آل و مطلوب نیست، معذک در شرایط فعلی قراردادی بهتر از این در جلو ما نیست و نمی‌گذاشتند» (همان، دوره نوزدهم، جلسه ۱۹۱). البته کشورهای که کنسرسیوم را اداره می‌کردند و بر اساس آمار، بیشترین نقاط نفت‌خیز ایران در اختیار و سلطه کامل آنها بود، قدرت و نفوذ بیشتری داشتند. کشورهایمانند ایتالیا نفوذشان در حدی نبوده است که با کنسرسیوم رقابت کنند (فیاضی، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

^۱. در سال ۱۹۵۸م. نیز قراردادی با شرکت نفتی پان آمریکن اینترنشنال که از شرکت‌های فرعی استاندارد ایندیانا بود، به امضاء رسید. بر اساس این قرارداد، شرکت /بیپاک تشکیل شد و شرکت ایپاک در ۱۰ خرداد ۱۳۳۷ش. / ۳۱ مه ۱۹۵۸م. توسط شرکت نفت پان آمریکن (شعبه استاندارد اوایل ایندیانا) و شرکت ملی نفت ایران با هدف اکتشاف و استخراج نفت در شمال خلیج فارس در مساحتی بالغ بر ۱۶ هزار کیلومتر و با سهام مساوی تأسیس شد. ۵۰ درصد از سهام شرکت ایپاک به ایران تعلق داشت و در قرارداد امضاء شده، تصریح شده است که پان آمریکن ۲۵ میلیون دلار به شرکت ملی نفت ایران بپردازد و متعهد می‌شود که طی ۱۲ سال حداقل ۲۵ میلیون دلار برای تحقق طرح‌های مشترک هزینه کند. ضمناً در قرارداد پیش‌بینی شده است که ۷۵ درصد سود ناشی از فروش نفت خام توسط ایپاک به شرکت ملی نفت ایران و ۲۵ درصد به پان آمریکن پرداخت شود. در سال ۱۹۶۵م. نیز ۶ قرارداد نفتی دیگر از نوع مشارکت به امضاء رسید: این قراردادها در قسمتی از منطقه فلات قاره بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های اروپایی و آمریکایی به امضاء رسید (وزیری، ۱۳۷۹: ۴۳۵-۴۳۴، میرترابی، ۱۳۸۷: ۸۳).

نتیجه

ایران بعد از جنگ دوم جهانی ضرورت داشت که با دیگر کشورهای اروپایی غیر از متفقین که وارد کشور شده بودند، روابط سیاسی برقرار کند و به تبع رابطه سیاسی، روابط اقتصادی و فرهنگی نیز ایجاد می‌شد. در همین راستا ایتالیا از کشورهایی بود که از دیرباز و به‌ویژه در دوران پهلوی اول و برای صنعتی کردن و مدرن‌سازی مورد توجه حکومت قرار داشت. در سال ۱۳۲۵ ش. مناسبات سیاسی از طریق وزرای مختار دو کشور انجام می‌گرفت که سطح روابط در سال ۱۳۲۷ ش. با تأسیس سفارت بین دو کشور گسترش یافت. در دوره مجلس شانزدهم، ایران در برهه‌ای حساس قرار داشت و مسأله ملی شدن نفت بر حکومت، دولت، مجلس و جامعه مسلط بود. ایتالیا از جمله کشورهایی بود که نفت ملی شده ایران و مبارزات ملت ایران را در برابر انگلیس می‌ستود و حمایت می‌کرد و با توجه به برقراری روابط سیاسی، اکنون به تدریج وارد مذاکرات نفت نیز می‌شد و حتی به ایران برای فروش نفت کمک و حمایت می‌نمود. در این مقطع بود که در مجلس شانزدهم، مذاکراتی پیرامون انعقاد نخستین عهدنامه مودت بعد از جنگ دوم جهانی انجام گرفت که به تصویب رسید. اما آنچه که در مذاکرات مجلس شانزدهم در روابط ایتالیا مورد توجه قرار گرفت، برقراری روابط فرهنگی بود. با آغاز روابط فرهنگی برای مشارکت بیشتر با کشورهای اروپایی، مسائل اقتصادی و استفاده از تخصص کارشناسان ایتالیایی در صنایع نیز مدنظر واقع شد. مهم‌ترین قراردادی که با ایتالیا منعقد گردید، در قالب قرارداد نفتی با شرکت آجیب مینراریا از این کشور بود که بعد از قرارداد کنسرسیوم که بر اساس سهم مساوی منافع بود، این قرارداد مشارکتی و ۷۵ به ۲۵ به نفع ایران و گامی رو به جلو برای منافع نفتی ایران بود. پیرامون این قرارداد مذاکرات بسیاری در مجلس انجام گرفت و اکثریت نمایندگان به وضعیت مناسب ایران در این قرارداد نسبت به سایر قراردادهای نفتی اذعان داشتند و با آن موافق بودند.

منابع و مآخذ

اسناد:

- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- سند ۱۰۱۶۹۷۱، ۱۹/۹۵/۰/۷۹ق، تاریخ ۱۳۳۸/۸/۱۰ش.
 - سند ۱۰۶۸۸۸۵۴، ۲۱/۵۰/۰/۲۵۵ق، تاریخ ۴۳/۹/۱-۴۲/۱۰/۵
 - سند ۱۰۰۸۶۰۲، ۱۸/۳۸/۰/۸۰ق، تاریخ ۱۳۳۴/۹/۳۰، کارتن قوانین.

کتاب‌ها:

- ازغندی، علیرضا، ۱۳۹۲، *روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰*، چاپ پانزدهم، تهران: قومس.
- اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول در دوران پهلوی*، ۱۳۷۰، ج ۳، تهران: واحد نشر اسناد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ذوقی، ایرج، ۱۳۷۴، *مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران*، چاپ چهارم، تهران: اطلاعات.
- روحانی، فؤاد، ۲۵۳۶، *صنعت نفت ایران، بیست سال پس از ملی شدن*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- سعادت، فتح‌الله، ۱۳۴۹، *جغرافیای اقتصادی نفت ایران*، ج اول، [بی‌نا].
- گروه نویسندگان، ۱۳۷۹، *کالبدشکافی سرمایه‌گذاری‌های صنعت نفت (قراردادهای بیع متقابل)*، به اهتمام: داریوش مبصر، تهران: کویر.
- فاتح، مصطفی، ۱۳۳۵، *پنجاه سال نفت ایران*، تهران: شرکت سهامی چهر.
- فیاضی، عمادالدین، ۱۳۹۱، *بررسی تحلیلی و توصیفی تاریخ روابط اقتصادی ایران و ایتالیا (۱۳۵۷-۱۳۲۰)*، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.
- _____، ۱۳۹۳، *تاریخ روابط ایران و ایتالیا (مناسبات سیاسی- فرهنگی ۱۳۵۷-۱۳۲۰)*، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره).
- مشروح مذاکرات مجالس دوره شانزدهم تا نوزدهم شورای ملی.
- موحد، محمدعلی، ۱۳۵۷، *نفت ما و مسایل حقوقی آن*، تهران: خوارزمی.
- میرترابی، سعید، ۱۳۸۷، *مسائل نفت ایران*، چاپ چهارم، تهران: قومس.

یرگین، دانیل، ۱۳۷۴، تاریخ جهانی نفت، ترجمه: غلامحسین صالحیار، تهران: اطلاعات.
وزیری، شاهرخ، ۱۳۷۹، نفت و قدرت در ایران (از قنات تا لوله نفت)، ترجمه: مرتضی
ثاقبفر، تهران: عطایی.